

# نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده

مسعود صادقی\*

## چکیده

هدف نوشتار پیش‌رو آن است که با روش تحلیلی - توصیفی، نظریه یا دست‌کم رویکرد خواجه نصیر به تدبیر منزل و چگونگی اداره و چاره مشکلات خانواده را صورت‌بندی نموده و اجمالاً مورد تحلیل قرار دهد. بر مبنای یافته‌های نوشتار حاضر معلوم می‌گردد معلوم شد که در تعریف خانواده از منظر خواجه نصیر، وجود خدمتگزارانی مقیم که دائماً در خانه حضور داشته باشند، مداخلت و ضرورت دارد. این تعریف میتواند گویای تأثیرپذیری نگرش خواجه از جایگاه اجتماعی و طبقاتیش باشد. چرخه اقتصادی مطلوب خانواده و بایسته‌های آن از نگاه خواجه نیز مستلزم روزآمدسازی است تا با واقعتهای اقتصادی جدید همسازتر گردد. همچنین بر مبنای مباحث این نوشتار روشن می‌گردد که رویکرد خواجه نصیر به مدیریت خانواده، رویکرد طبیبانه یا پزشک‌گونه است؛ به این معنا که مدیر منزل از موضع یک فرد باتجربه و آگاهتر، عیوب اعضای خانواده را بشکلی همدلانه تشخیص داده و برای حل آن چاره‌اندیشی میکند.

۶۹

**کلیدواژه‌ها:** خواجه نصیرالدین طوسی، اخلاق ناصری، تدبیر منزل، خانواده

\* \* \*

\* استادیار دانشگاه علوم پزشکی کرمانشاه؛ masoud.sadeghi@kums.ac.ir

تاریخ تأیید: ۹۸/۲/۲

تاریخ دریافت: ۹۷/۱۰/۱۵



## مقدمه

نگرش خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت اقتصاد و خانواده بعنوان یکی از ارکان بحث تدبیر منزل کمتر مورد تأمل جدی قرار گرفته است. در تحقیقات پیشین معمولاً به مرور کلیات و بازخوانی فهرست‌وار مباحث تدبیر منزل در /اخلاق ناصری بسنده شده و وجوه اقتصادی و مدیریتی نگرش خواجه برجسته نشده است<sup>(۱)</sup> و یا اینکه از منظر اقتصادی تنها وجوه طبقاتی و نگرش خواجه به آن مورد تأکید قرار گرفته است.<sup>(۲)</sup>

سرچشمه و منشأ پیدایش منزل از منظر خواجه نصیر، نیاز بشر به وجود مکان و فضایی است که در آن مایحتاج غذایی خود را نگهداری کند تا هم از گزند دزدان در امان باشد و هم در تمام اوقات شبانه روز در دسترس باشد و هم از فساد و فرسایش سریع مصون بماند. بنظر وی، انسان برخلاف حیوان نمیتواند همواره وقت خود را در هر روز، مصروف لوازم غذایی همان روز کند؛ چراکه همه خوراکیهای مطلوب آدمیان بصورت آماده در طبیعت موجود نیست و باید وقتی را صرف آماده‌سازی آن کند. بنابراین منزل جایی است برای ذخیره و برآورده‌سازی نیازهای اولیه و غذایی آدمی.<sup>(۳)</sup> این گمانه تاریخی - زیست‌شناختی خواجه‌نصیر در باب منشأ پیدایش منزل و خانواده حتی با جدیدترین پژوهشهای نوین در باب تاریخ خانواده نیز مجموعاً قابل جمع یا قابل دفاع است. بنابر یافته‌های اخیر، کمی بیش از ده هزار سال پیش از میلاد، یعنی مدتی پس از پایان عصر یخبندان، گروه‌های انسانی شروع به ساخت فضاهایی پایدار و دائمی کردند تا در کنار آن بتوانند به زراعت بپردازند. بسیاری از نقشها و روابط خانوادگی تابعی است از الگوهای گوناگون جمع‌آوری مواد غذایی که در دل همین دوره تمدنی شکل گرفته است.<sup>(۴)</sup>

۷۰

مجموع با دانش امروز بشر سازگار است. اما پس از تدارک فضای فیزیکی منزل، این انتخاب همسر است که اهمیت مییابد. از نگاه خواجه‌نصیر، ازدواج راهی است برای تضمین بقای نسل. اما زن/ همسر کسی است که علاوه بر فرزندآوری، مسئولیت مراقبت و محافظت از منزل را



برعهده دارد. خواجه نصیر معتقد است از آنجا که رسیدگی به همه امور منزل و خانواده از عهده پدر و مادر برنمی آید، به وجود افرادی احتیاج است که وی آنها را «اعوان و خدم» مینامد. این همکاران و خدمتگزاران امور منزل و خانواده در کنار پدر و مادر به تعلیم، تربیت و رشد فرزندان کمک میکنند. درواقع خواجه، منزل را بر پنج رکن اصلی استوار میدانند: پدر، مادر، فرزند، خدمتکاران، قوت و غذا.<sup>(۵)</sup> این عناصر پنجگانه نه فقط ارکان منزل و خانواده بلکه مبنای اصلی نظام معاش و زندگی هستند. خواجه نصیر تصریح دارد که مقصودش از منزل، خانه‌یی برساخته از خشت و گل نیست، بلکه مقصود وی همان مناسبات و مرابطات خانوادگی میان زن و شوهر، والدین و فرزندان، خادم و مخدوم و اموال و صاحب مال است؛ خواه خانه و منزلگاه این خانواده یک کاخ باشد و خواه یک غار یا سایه یک درخت.<sup>(۶)</sup>

آشکار است که این تعریف از خانواده متأثر از نظر ارسطو در کتاب سیاست است. ارسطو نیز ارکان پنجگانه خانواده را چنین بیان میکند و البته روابط منزلی و خانوادگی را بر سه‌گونه رابطه خدایگانی با برده، رابطه همسری و رابطه پدری تقسیم مینماید؛<sup>(۷)</sup> ولی محور همه این روابط سه‌گانه مرد/ مدیر منزل است. اگرچه نفس تأثیرپذیری تدبیر منزل/ اخلاق ناصری از سیاست ارسطو قابل انکار نیست، اما این نکته را نیز باید گفت که مردمحوری افراطی سیاست ارسطو در اخلاق ناصری تقلیل یافته و تا حدی تلطیف شده است. ارسطو بصراحت رابطه زناشویی را با رابطه برده/ برده‌دار مقایسه میکند و زن را در جای برده و مرد را در جایگاه سروری خدایگان قرار میدهد. او حتی برابر دانستن زن و مرد را از خصوصیات زندگی بربران و بردگان برمیشمارد.<sup>(۸)</sup>

۷۱ اگرچه تعریف خواجه نصیر از منزل و خانواده هنوز برای ما قابل فهم است و حتی کماکان مواردی از چنین خانواده‌هایی در جوامع کنونی دیده میشود، اما باید گفت امروزه، خانواده سنتی عمدتاً به «خانواده هسته‌یی»<sup>۱</sup> تبدیل شده است؛ یعنی دیگر خانواده معیار و متوسط، خانواده‌یی است که از پدر، مادر و درنهایت دو فرزند تشکیل شده باشد.<sup>(۹)</sup> البته بسیاری از محققان، از جامعه‌شناسان گرفته تا حقوقدانان،

#### 1. nuclear family



از ارائه تعریفی دقیق از مفهوم خانواده شانه خالی میکنند.<sup>(۱۰)</sup> علاوه بر عوامل اقتصادی، شاید شیوع گسترده طلاق و رواج رو به تزاید گرایشهای فمینیستی و اخیراً همجنس‌گرایانه از عوامل اصلی این گریز از تعریف دقیق خانواده باشد. رسمیت یافتن قانونی خانواده‌های همجنس‌گرا در برخی از کشورها، وجود هزاران خانواده که تعمداً تصمیمی برای تولد فرزند ندارند و ظهور هزاران هزار خانواده تک‌سرپرست در جوامع جدید طبیعتاً سبب میشود که محققین از ارائه تعریفی دقیق از مفهوم و معنای خانواده بازمانند. گفتنی است گسترش هم‌خانگی و روابط مستمر غیرشرعی نیز مزید بر علت است. به تصریح برخی از محققان، در مطالعات و تحقیقات جدید خانواده‌پژوهی، نوعی تغییر الگو و پارادایم رخ داده است؛ یعنی خانواده‌پژوهان بجای مبنا قرار دادن تعریفی مشخص یا مطلوب از خانواده و تطبیق آن بر روابط بالفعل اجتماعی، آن چیزهایی را بعنوان خانواده مبنای کار قرار میدهند که مردم عملاً خانواده میدانند یا مینامند.<sup>(۱۱)</sup>

اگرچه واقعاً نمیتوان بصورت قطعی مشخص کرد که تصویر مدنظر خواجه نصیر از تعریف و ارکان منزل، ساختاری کاملاً توصیفی یا کاملاً تجویزی و یا ترکیبی از هر دو است، اما اجمالاً روشن است که او به علل و دلایل عدیده (که اکنون جای بحث و پرداختن همه آنها نیست)، شبه‌خانواده‌های مدرنی چون خانواده‌های همجنس‌گرا را اصلاً خانواده و اخلاقی نمیداند و یا خانواده‌های تک‌سرپرست را ناقص و نیازمند تکمیل می‌انگارد. اما پیداست که برخی مؤلفه‌ها و ارکان تشکیل‌دهنده نظام منزل از منظر خواجه نصیر، بازتابی از شرایط اجتماعی و حتی جایگاه اقتصادی و طبقاتی وی میباشد؛ مثلاً او علاوه بر پدر، مادر و فرزند، خدمتگزاران خانگی را نیز جزئی از نظام منزل میدانند؛ پدیده‌یی که صرف‌نظر از کاراً ۷۲ یا ناکاراً بودن و درست یا غلط بودنش، متعلق به گروه خاصی از طبقات اجتماعی و اقتصادی است و چه اکنون و چه در گذشته، بسیاری از مردم از تدارک آن ناتوان بوده و هستند.

### رویکرد مطلوب در مدیریت منزل

تدبیر و مدیریت منزل بهتر است برعهده صاحب و بانی منزل باشد. باعتقاد



خواجه نصیر، کسی که وظیفه تدبیر و مدیریت منزل را عهده‌دار می‌گردد، باید اولاً در راستای مصلحت ارکان و اعضای منزل اقدام کند و همانند شبانی که نگران رمه خویش است، تمام تلاش خود را مصروف مصالح و ملزومات آنان کند. ثانیاً برای پیشبرد اهداف و تدابیر خود همه ابزارهای سیاست و مدیریت از قبیل وعده و وعید، تشویق و تنبیه و... را بکار گیرد.<sup>(۱۲)</sup>

نکته قابل ذکر در اینجا این است که امروزه اساساً مفهوم مدیریت منزل و خانواده با نگرشهای گذشته تفاوت دارد. این تفاوتها در سه محور قابل بحث است:

۱. امروزه مفهوم و قلمرو مدیریت خانواده بیشتر به مدیریت اقتصاد خانواده تقلیل پیدا کرده است. با این توضیح که علاوه بر پیچیده‌تر شدن مناسبات اقتصادی در جوامع امروزی و گسترده‌تر شدن نیازهای اقتصادی خانواده، یکی دیگر از دلایل تغییر سمت و سوی مدیریت خانواده بطرف مدیریت اقتصاد خانواده، پرننگتر شدن تأثیر و دخالت مستقیم و غیرمستقیم دولت و نهادهای عمومی در امور خانوادگی است؛ مثلاً امروزه با همگانی شدن پدیده آموزش و همسان شدن بسیاری از روشها و منابع آموزشی، مدیریت امر تعلیم و تربیت تا حد قابل توجهی از دست خانواده خارج شده است.

۲. اولویت نخست در هدفگذاری و انتخاب راهبرد خانواده، سمت و سوی اقتصادی پیدا نموده است. این نکته در واقع نتیجه طبیعی تصدیق نکته پیشین است.

۳. مدیریت خانواده مفهومی گروهی، فراجنسیتی و غیرمتمرکز یافته است. طی دو قرن اخیر با رشد تمایلات برابری خواهانه در میان زنان و رواج هرچه بیشتر فمینیسم، غلبه مردان بر نظامات اجتماعی بالاخص خانواده سیر نزولی گرفته است. بنابراین برای بسیاری از مردم امروز، پذیرش اینکه با وجود همسر و فرزندان، تنها یک نفر مدیریت خانواده را برعهده بگیرد، بسیار دشوار شده است.

اما رویکرد غالب مدیر منزل در تدبیر آن چه باید باشد؟ توصیه خواجه نصیر بر اتخاذ رویکرد طبییانه و پزشکی گونه است. او به اقتضای نظر ابن سینا در حکمت عملی و منزلی بر این گمان است که مدیر و مدبر یک خانواده باید همانند یک طبیب حاذق عمل کند. آشکار است که نگاه خواجه ناظر بر طب و پزشکی زمانه‌اش است. روش

طیب این است که ابتدا وضع سالم و معتدل کلیت بدن و اعضای آن را مدنظر قرار می‌دهد و سپس به عضو یا قسمت بیمار نظر میکند. پس از آن، ضمن مداوای عضو بیمار، سلامت و مصلحت دیگر اعضای بدن را نیز در نظر می‌گیرد. حتی اگر در شرایط خاص، قطع یک عضو لازم باشد، پزشک در قطع آن تردید نمی‌کند و نمی‌گذارد که فساد و بیماری به دیگر اعضا نیز سرایت کند. بر همین منوال، مدیر منزل موظف است که وضع میانه و معتدلی را در خانواده ایجاد و حفظ نماید و به یک یک اعضای خانواده و ارکان منزل نگاهی همدلانه و طبیبانه داشته باشد. لازمه این نگرش، شناخت دقیق از اعضای خانواده و وضعیت و روحیات آنهاست. اما پیش‌فرض خواجه در اینباره آن است که مدیر منزل، شأنی طیب‌گونه دارد و به یک اعتبار، رتبه‌ی بالاتر از دیگر اعضا دارد؛ چراکه او باید بر دیگر اعضا نظارت کند و اوضاع و احوالشان را رصد نماید و عیوب و کاستیهایشان را تشخیص دهد و در وقت مقتضی تشویق یا تنبیهشان نماید. در واقع کارکرد مدیر منزل آن است که ارکان خانواده را به کمال لازم و مقتضی امور منزل برساند.<sup>(۱۳)</sup> بنظر می‌آید برخلاف تلقی خواجه نصیر، نگرش غالب در دنیای جدید این است که مدیریت از پدیده‌ی فردی به جمعی مبدل شود. اما آیا این بمعنای خداحافظی با ایده‌ها و اندیشه‌های خواجه در حوزه خانواده است؟ خیر. میتوان از اخلاق ناصری رویکرد مدیریتی طبیبانه و پزشک‌گونه بر خانواده را فراگرفت، اما مدیریت را از حالت انحصاری فردی و مردانه خارج ساخت. بتعبیر بهتر، رویکرد طبیبانه را در قالبی نوینتر یعنی مدیریت جمعی اجرا نمود، بگونه‌ی که زن از حالت انقیاد محض خارج شده و نه فقط طرف مشورت و همفکری قرار گیرد، بلکه در فرایند تصمیم‌گیریها دخالت داشته باشد. بالاخص اینکه با توجه به شرایط اجتماعی گذشتگان، زنان معاصر با خواجه عمدتاً فاقد حداقل سواد و حتی تجربه اجتماعی بودند و عملاً شایستگی چندانی برای مدیریت خانواده نداشتند. اما اکنون دیگر چنین نیست و در بسیاری از زمینه‌ها زنان نیز مهارتها، تجربیات و دانشی همسان با مردان دارند.

### چرخه اقتصاد خانواده و بایسته‌های آن

چرخه ارتزاق و اقتصاد منزل از منظر خواجه نصیر سه سویه یا مرحله دارد: دخل (یا همان درآمد)، حفظ (یا همان سرمایه‌گذاری و پس‌انداز) و خرج.<sup>(۱۴)</sup>



## ۱. دخل و بایسته‌های آن

دخل یا درآمد خانواده بطور کلی از دو محل ممکن است تأمین گردد: از طریق صنعت و تجارت یا از طریق ارث و یا عطایا. اولی در گرو تدبیر و کفایت فرد است و دومی در بند بخت و اقبال. آنچه در اینجا برای خواجه بیشترین اولویت را دارد، انتخاب راهی برای کسب درآمد است که نقش اتفاقات و احتمالات در آن کمتر بوده و بیشتر بر توانایی و برنامه‌ریزی فرد مبتنی باشد. بر همین مبنا او نه تنها بر روی گزینه ارث و عطایا تمرکز نمی‌کند بلکه فن و صنعت را هم بر تجارت ترجیح می‌دهد، زیرا تجارت بیش از صنعت مبتنی بر سرمایه است و سرمایه هم ممکن است به هر دلیل از کف برود.<sup>(۱۵)</sup>

در باب تلقی خواجه نصیر از مفهوم دخل یا درآمد باید گفت اقتصاددانان درآمد را افزایش قدرت اقتصادی فرد در یک بازه زمانی تعریف میکنند.<sup>(۱۶)</sup> تقسیم‌بندی درآمد به درآمد استحقاقی و اتفاقی از نکات جالب در اخلاق ناصری است که شاید امروزه کمتر به آن توجه شود. اما بنظر میرسد جای مفهوم «درآمد روانی» در مباحث او خالی است. شاید بگویید «درآمد روانی»<sup>۱</sup> یک مفهوم متعلق به تئوریهای نسبتاً مدرن اقتصادی است و نباید تصریح یا اشاره به آن را از یک متفکر چند قرن پیش دوره‌های میانه انتظار داشت. اما عرضه تعریف و توضیحی مختصر در باب این مفهوم روشن خواهد کرد که همچنان میتوان بابت این نقیصه این گلایه نظری را از نگارنده اخلاق ناصری داشت. درآمد روانی مفهومی است در مقابل «درآمد پولی»<sup>۲</sup> و «درآمد واقعی»<sup>۳</sup>. بسیاری از خواسته‌ها و مطلوبها در زندگی هستند که قابل سنجش یا معامله پولی نیستند و بدست آوردن آنها را نمیتوان در فهرست درآمدهای پولی و یا عینی درج کرد. کسب این پدیده‌ها را درآمد روانی مینامند.<sup>(۱۷)</sup> درآمد ۷۵

روانی که میتوان با بیانی دینیترا آن را رزق روانی و معنوی نیز نامید، مفهومی نیست که از ادبیات اخلاق دینی و سنتی مسلمانان غایب بوده باشد. آشکارترین و در دسترس‌ترین نمونه، آیه‌ی مشهور در قرآن کریم است که در آن بصراحت از ارتزاق

1. psychic income
2. monetary income
3. real income



شهیدان نزد خداوند سخن بمیان آمده است.<sup>(۱۸)</sup> در نگرش اسلامی، سلامت، امنیت، نسب نیکو و حتی توفیق حج و زیارت و... همه از زمره مقوله رزق آدمی هستند و این تقریباً همان چیزی است که درآمد روانی یا عایدی معنوی نامیده میشود. بنابراین بهتر بود که خواجه به این نکته آموزنده نیز اشارتی مینمود.

صاحب اخلاق ناصری ضمن اعتقاد به ترجیح نسبی صناعت بر تجارت، بر این باور است که افراد جویای کار و نیز افرادی که دیگران را بکار میگیرند، نباید مرتباً از کاری بکاری و از حرفه‌یی به حرفه‌یی دیگر بجهند. آدمیان باید بکوشند کار متناسب با طبیعت و وضعیت خود را برگزینند؛ چراکه هر حرفه و صناعتی متناسب با شخصیت و طبیعتی است که باید آن را کشف نمود.<sup>(۱۹)</sup>

دلیل خواجه نصیر برای ترجیح حرفه و صناعت بر تجارت مبتنی بر خطرهای عدیده تجارت است. فرد تاجر برای تداوم کارش به سرمایه‌یی احتیاج دارد که این سرمایه همواره در خطر سرقت، غارت و از دست رفتن است. اما کسی که از مهارت خود درآمدزایی میکند نگرانی چندانی برای هدررفت سرمایه‌اش ندارد. بنظر میرسد فقدان یا کم‌رنگ بودن مقوله ریسک‌پذیری برای بسیاری از گذشتگان از جمله خواجه نصیر سبب شده درآمدزایی کم‌خطر و بدون ریسک را بر تجارتهای مستلزم سرمایه ترجیح دهند. شاید بر سر این نکته بحث چندانی نباشد که بر اساس یک نگرش اخلاقی و روانشناختی فردی، درگیر شدن مردم در مشاغل کم‌تنش بهتر است. اما در نگاهی کلانتر و اجتماعیتر، عدم ریسک‌پذیری به انفعال و عدم پیشرفت می‌انجامد. بخش معتابیهی از پیشرفتهای جوامع مدرن، مدیون پذیرش هرچه بیشتر خطرهایی است که گذشتگان چندان به آنها نزدیک نمیشدند. ریسک‌پذیری معقول، موجب میشود که ما محدودیتهای خود و دیگران را بیشتر درک کنیم، مهارتهای تازه‌یی را بیاموزیم و تجارب جدیدی کسب کنیم، اعتماد به تواناییها را در خود تقویت نمایم و استقلال و مسئولیت‌پذیری بیشتری را نسبت به امور زندگی خویش بدست آوریم.<sup>(۲۰)</sup> ریسک‌پذیری را میتوان از لوازم شجاعت دانست. البته همان‌سان که شجاعت از حد به در شده و نامعقول، دیگر شجاعت نیست و تهوّر نامیده میشود، ریسک‌پذیری بیش از حد نیز یک امر مذموم است. اما در مجموع باتوجه به پیچیدگیهای اقتصادی جوامع جدید باید گفت توصیه خواجه نصیر بر ترجیح دادن کارهای مهارتی بر تجارت و... تا حدی نامتناسب با مقتضیات زمانه ماست، چون اگر قرار



باشد هر کسی گمان کند بدلیل وجود خطر از بین رفتن سرمایه یا ورشکستگی بهتر است که اساساً کارگر و کارمند باشد تا کارآفرین و کارفرما، پس تکلیف رشد اقتصادی و تولید اشتغال چه خواهد شد؟!

### تقسیمبندی مشاغل از نگاه خواجه‌نصیر

پیش از هر بحثی در اینباره، بهتر است تقسیمبندی اخلاقی خواجه نصیر از مشاغل اقتصادی را تشریح کنیم. او شغلها را در سه دسته اصلی جای میدهد: مشاغل عالی یا شریف؛ مشاغل معمول و متوسط و مشاغل پست یا خسیس. مشاغل عالی یا شریف، مشاغلی هستند که از مزیت، خوبیها و خیرات نفس آدمی نشئت میگیرند و نه لزوماً از تواناییها و خوبیهای بدنی انسان. همین مشاغل عالی و شریف نیز برحسب نوع مزیت و خیری که در نفس فرد بوده و سبب کسب درآمد میشود، بر سه گونه‌اند: نخست، مشاغل شریفی که محصول عقل شاغل هستند و به حسن تدبیر و مشاوره درست می‌انجامند؛ مانند شغل وزیران و مشاوران. دوم، مشاغل شریفی که از فضل، علم و ادب شاغل ناشی میشوند؛ از قبیل پزشکی، مهندسی، ستاره‌شناسی، نویسندگی و... سوم، مشاغل شریفی که ریشه در شجاعت و قدرت فرد دارند؛ مانند شغل فرماندهان و دلاوران جنگی که در برابر دشمنان مقاومت میکنند.<sup>(۲۱)</sup> مشاغل پست یا خسیس نیز بر سه نوع هستند: نخست، مشاغل مفسدان که مخالف و منافی مصلحت عمومی است؛ مانند احتکار یا کسب درآمد از راه سحر و جادو. دوم، مشاغل افراد ابله یا سفهاء که دست‌کم با یکی از فضایل و آراستگیهای اخلاقی در تنافر است. سوم، مشاغل فرومایگان که کارشان با طبع و خوشایند عموم ناسازگار بوده و منفور است؛ مثلاً شغل کنّاسی (شستشوی خلا)، خونگیری، دباغی و... . مشاغل معمول و متوسط نیز کارهایی چون زراعت و نجاری و آهنگری و... هستند که غالب شغلها را تشکیل میدهند.<sup>(۲۲)</sup>

بنظر میرسد تقسیمبندی مدنظر خواجه از مشاغل، اولاً از جهاتی ناقص است و ثانیاً امروزه چندان کارآمد و راهگشا نیست. نقصان این تقسیمبندی در این است که برخی مشاغل با اینکه از عقل و هوش شاغل سرچشمه میگیرند و از جهتی در عداد

مشاغل شریف قرار دارند، اما از جهتی با سوءنیت و هدفی ناپسند انجام میشوند و ماهیتی غیراخلاقی دارند؛ مانند سرقت‌های ادبی، علمی یا دزدیهای پیچیده و طراحی شده. همچنین برخی از مشاغل شریف (طبق تعریف/اخلاق ناصری) مانند مشاغل سیاسی وزارت و مشاورت و...، از جهتی دیگر متضمن آفات و ردائلی همچون تملق، پذیرش و سکوت در برابر برخی از ظلمها و نوعی جاه‌طلبی است که طبق تعریف/اخلاق ناصری در زمره مشاغل پست و خسیس قرار میگیرد.

اما ناکارآمدی تعریف و طبقه‌بندی/اخلاق ناصری از مشاغل از این بابت است که اتفاقاً در باب شغل اکثر شاغلان و مردمان عادی تقریباً حاوی هیچ نکته آموزنده‌یی نیست. حال آنکه انتظار از یک اثر ناظر بر اخلاق عملی و کاربردی این است که به احوال عموم بنگرد و در درجه اول، راهنمای رفتار آنها باشد. شاید یکی از بهترین طبقه‌بندیهای مفید از مشاغل، طبقه‌بندیهایی باشند که علاوه بر عطف نظر به حسن و قبح اصل شغل، بیشتر بر مبنای نگرش روانی و اخلاقی شاغل بکاری که انجام میدهد توجه دارند. بر مبنای چنین تقسیم‌بندیهایی، یک کار و شغل واحد، بسته به نگرش و نیت فرد شاغل ممکن است معنای دیگری بیابد و از سطحی نازل به سطحی عالی یا بالعکس تغییر رتبه بدهد؛ مثلاً تقسیم مشاغل به شغل<sup>۱</sup>، حرفه<sup>۲</sup> و رسالت<sup>۳</sup> یکی از این تقسیمات مفید است. بر اساس این تفکیک، آنچه یک کار را از سطح شغل به حرفه یا رسالت ارتقا میدهد، نوع و نفس کار نیست، بلکه رویکرد و انگیزه شاغل است. کسی که به کارش فقط بعنوان یک مشغولیت ذهنی و عملی برای کسب درآمد و پول مینگرد؛ یعنی صرفاً درگیر شغل است و کارش را شغل یا مشغله خود میداند. اما کسی که کارش را بر مبنای لیاقت و مهارتش انتخاب کرده، درواقع دارای یک حرفه است. فراتر از اینها کسی که کارش را یک تکلیف وجدانی، اجتماعی یا الهی و پاسخ به فراخوانی قلبی میداند، در حقیقت دارای یک رسالت است.

توصیه کلی خواجه در باب کسب درآمد این است که فعالان و شاغلان اقتصادی در کار و صنعت خود به وضعیت موجود قانع نباشند و در پی پیشرفت و کمال کاری باشند و همت خویش را بلندتر سازند. بنظر، وی روزی و درآمد بالا بهترین

1. job
2. career
3. call



زینت است اما باید مراقب بود که کسب و کار آدمی مستوجب غفلت از امور مهم زندگی نگردد و لازمه رونق آن ترک عدالت یا خویشنداری و عفت نباشد.<sup>(۲۳)</sup>

توصیه دیگر صاحب/اخلاق ناصری این است که فعالان اقتصادی اکیداً از سه روش کسب درآمد پرهیزند: کسب درآمد توأم با جور، کسب درآمد توأم با عار و کسب درآمد توأم با دنائت. مقصود از کسب درآمد توأم با جور، درآمدی است که از طریق ظلم و جور بر مشتری یا دیگری حاصل شود؛ روشهایی از قبیل کمفروشی، گرانفروشی، دزدی و کلاهبرداری. اما مراد از درآمد توأم با عار، درآمدی است که مستلزم تحقیر و مذلت شخصیت فاعل اقتصادی باشد و منظور از درآمد توأم با دنائت، درآمدی است که از طریق مشاغل پست و خسیسه بدست آید، آن هم در حالی که فعال اقتصادی امکان و فرصت یافتن یک شغل عالی یا شریفه را دارد.<sup>(۲۴)</sup> این توصیه، از حیث اخلاقی فوق‌العاده دقیق، عمیق و کاربردی است. مقوله درآمد توأم با جور در واقع هرگونه فعالیت اقتصادی ناسالم را دربرمیگیرد و تخلفات اقتصادی نوپدیددی چون پولشویی را نیز میتوان امروزه بر آن اضافه نمود. اما اشاره خواهد بود که قبح کسب درآمد توأم با دنائت از این جهت جالب است که نه فقط از حیث اخلاقی بلکه از حیث اجتماعی و اقتصادی نیز مضر و خطرآفرین است. وقتی کسی به کاری تن دهد که امکان یافتن کاری بهتر و متناسبتر از آن را دارد هم مرتکب یک خطای اخلاقی شده است و هم به چرخه اقتصاد جامعه آسیب زده است؛ زیرا اجتماع را از خدمتی بهتر و بیشتر محروم ساخته است.

در مجموع در باب این بخش از/اخلاق ناصری میتوان گفت نوعی ذات‌گرایی در نگرش خواهد بود به فعالیتها و مشاغل اقتصادی دیده میشود. اگرچه برخی شغلها ذاتاً بد یا ذاتاً خوب هستند، اما بسیاری از مشاغل که از قضا عموم مردم با آنها سروکار بیشتری دارند، تابعی از روحیه، انگیزه و همت افراد هستند؛ یعنی این شاغلانند که به این شغلها ژرفا و معنا میبخشند یا از آنها روح و معنا را میستانند.

## ۲. حفظ و بایسته‌های آن

اگرچه در نگاهی گذرا چنین بنظر میرسد که مقصود خواهد بود از حفظ مال،

پس انداز آن در جایی مطمئن است، اما با اندکی تأمل معلوم می‌گردد که مقصود وی از حفظ مال، حفظ ارزش و کارآیی آن است. از نگاه خواجه نصیر، راه اصلی حفظ و نگهداشت ارزش اموال، تثمیر یا به سوددهی رساندن آنهاست.<sup>(۲۵)</sup> این بخش از نگرش مدیریتی و اقتصادی خواجه کماکان قابل اجرا و کارآست.

لوازم و راهکارهای حفظ ارزش اموال بدین شرح است: اول، خرج حتماً کمتر از دخل باشد و حتی مساوی آن نیز نگردد. در همین راستا پیشنهاد این است که فاعل اقتصادی جهت تدبیر و مدیریت بهتر داراییها همه آن را در یک راه و به یک شکل هزینه نکند تا اگر از یک جهت متضرر شد، در جهات دیگر نیز ضرر نکند. بطور مشخص پیشنهاد می‌گردد که بخشی از درآمدها را در قالب وجه نقد بعنوان مایه و پشتوانه‌یی برای کسب و کار قرار دهد و بخشی دیگر را صرف کالا و خدمات مورد نیاز کند و بخشی دیگر را نیز به خرید املاک و مرکب اختصاص دهد. دوم، درآمدها مصروف چیزی نشود که غیرقابل تثمیر و سوددهی است. سوم، ضمن ذخیره مایحتاج ضروری، سود کم اما پایا و بادوام بر سودهای زیاد اما نادر و اتفاقی ترجیح داده شود.<sup>(۲۶)</sup> در مجموع میتوان گفت خواجه سرمایه‌گذاری را بهترین روش پس انداز و حفظ ارزش داراییها میدانند و این توصیه وی کاملاً معقول و کماکان کارآ محسوب میشود؛ زیرا امروزه نیز توصیه اقتصاددانان این است که افراد (حتی در اقتصادهای پویا و فاقد تورم) حتی‌الامکان از پس انداز پولی پرهیز کنند و راهی برای سرمایه‌گذاری و به گردش درآوردن سرمایه کوچک یا بزرگ خود بیابند.<sup>(۲۷)</sup>

### ۳. خرج و بایسته‌های آن

در زمینه چگونگی خرج کردن درآمدهای اقتصادی، خواجه نصیر سه شرط را در ۸۰ میان مینهد: نخست اینکه معیشت اهل منزل را مختل نکند. دوم آنکه نه خلاف دیانت باشد و نه خلاف آبرو که جایگاه اهل منزل را به مخاطره بیندازد. سوم اینکه مدیر خانواده مراقب باشد نه دچار بخل گردد و نه گرفتار حرص.<sup>(۲۸)</sup> تأکید خواجه بر این است که مدیر منزل اولاً، بگونه‌یی کم خرج نکند که ملزومات متعارف خانواده نیز تهیه نشود و بر خانواده سخت بگذرد. ثانیاً، در دام اسراف یا تبذیر نیفتد؛ یعنی نه درآمد را صرف امور شهوی و لذتبخش غیرضروری



و زائد کند و نه بیش از حد به امور ضروری بپردازد. ثالثاً، مدیر منزل باید مراقب باشد که از سر نیاز خرج کند و نه از روی اظهار بی‌نیازی، تفاخر و خودنمایی مالی. رابعاً، باید روش و تدبیر درستی اتخاذ کند و دچار نوسان نگردد، بگونه‌یی که گاهی کمتر از حد لزوم و گاهی بیشتر از آن خرج کند.<sup>(۲۹)</sup>

### خرج کرد در اقتصاد مدرن

تحلیل اخلاقی پدیده خرج و خرید یک ضرورت است. اما باید پذیرفت که نوع و ابعاد این مسئله بسیار پیچیده‌تر از مسائل دوران خواجه نصیر شده است. اگرچه در دنیای جدید، پدیده خرج و خرید ماهیتاً نوپدید نیست، اما اکنون ابعاد اقتصادی، اخلاقی و روانشناختی تازه‌یی پیدا کرده است. اعتیاد به خرید<sup>۱</sup> و یا «اختلال خرید اجباری»<sup>(۳۰)</sup> از جمله این عوارض است. ظاهراً درصد قابل توجهی از مردم گرفتار یا تحت تأثیر این بلیه و اختلال روانی هستند.<sup>(۳۱)</sup> اما برخی نیز بر اساس تحقیقات میدانی و مشخص، حدود شش درصد از مردم (آمریکا) را به این اختلال روانی مبتلا میدانند.<sup>(۳۲)</sup> بر اثر این اختلال فرد از یکسو بر این باور است که پول و پولداری منبع ترس، تهوع و سرگردانی است و از سوی دیگر، اولاً بر این باور است که خرید بیشتر به زندگی معنای بیشتری می‌دهد و انسان را خوشبخت‌تر میکند. ثانیاً، خرید بیشتر جایگاه اجتماعی فرد را ارتقا میبخشد.<sup>(۳۳)</sup>

اگر ولخرجی مهارگسیخته و اختلال خرید اجباری تا حدی از توابع تازه اقتصاد و بازارهای مدرن است، اما خساست، پدیده دیرپایی است که همواره بوده و از ارسطو گرفته تا خواجه نصیر و از اندیشمندان دوران میانه گرفته تا متفکران معاصر همگی بنحوی در باب آن سخن گفته‌اند. ارسطو خساست یا امساک را تفریط در اعطاء و افراط در اخذ تعریف میکند و سخاوت را حدوسط اسراف و خساست میداند.<sup>(۳۴)</sup> خسیس یا ممسک کسی است که بیشتر دست گرفتن دارد تا دادن و بخشیدن. جالب اینکه باعتقاد ارسطو، خساست بیش از ولخرجی و اسراف، ریشه در طبیعت انسانها دارد؛<sup>(۳۵)</sup> یعنی طبیعت انسانها بیشتر به خساست میل میکند تا

۸۱

1. shopaholic



اسراف و ولخرجی. احتمالاً مشاهدات شخصی ما هم این مدعای ارسطو را تأیید میکند. اگر چنین باشد بر اخلاق‌پژوهان فرض است که راهکارهای گریز از گزند خساست را بیش از پیش تشریح نمایند. دریغا که خواجه نصیر در این باب چندان سخن نگفته و به بیان اصل مشکل اکتفا کرده است.

گفتنی است مصارف مال و مبنای خرج کرد خانواده از منظر خواجه نصیر از سه صورت خارج نیست: اول، پرداختهای دینی و خدایی؛ مانند پرداخت وجوه شرعی. دوم، پرداختهای اخلاقی و سخاوتمندانه؛ مانند هدایا و انفاقها و... سوم، پرداختهای ضروری زندگی و برای جذب امور نافع و دفع امور مضر.<sup>(۳۶)</sup>

نکته جالب این است که خواجه نصیر بدلیل اولویت دادن به وجوه اخلاقی زیست اقتصادی با نگاهی ریزبینانه میکوشد ضوابط و بایسته‌های پرداختها و خرج‌کردهای نوع اول و دوم را نیز اجمالاً تبیین کند. معمولاً مردم و اقتصاددانان در سبد هزینه‌های خانواده جایی مشخص را به پرداختها و هزینه‌های اخلاقی و عام‌المنفعه اختصاص نمیدهند. جا باز کردن برای این سنخ از پرداختها و برنامه‌ریزی برای چگونگی انجام آن از ملزومات توصیه‌های خواجه نصیر در این خصوص است.

در همین راستا خواجه معتقد است در پرداختهای شرعی باید چهار شرط ذیل را رعایت نمود: نخست اینکه چه در ظاهر و چه در باطن متأسف نشد و با شرح صدر و گشاده‌رویی مال را پرداخت. دوم اینکه کار پرداخت با نیتی خالص و الهی انجام شود و نه به امید انتشار خبر آن و یا سپاسگزاری و... سوم اینکه سعی شود به نیازمندان نهفته‌نیاز کمک شود، یعنی به کسانی بیشتر کمک شود که برغم مشکلات و نیازمندیها اظهار فقر و بیچارگی نمیکنند و پروای آبروی خویش را دارند. چهارم ۸۲ اینکه آبروی افراد مستحق که به آنها کمک یا وجهی پرداخت شده، برده نشود.<sup>(۳۷)</sup>

پنج ضابطه خواجه برای پرداختهای نوع دوم یعنی پرداختهای اخلاقی و سخاوتمندانه افراد فضیلتمند بدین قرار است: اول اینکه در این سنخ از پرداختها تعجیل و شتاب شود که با شتاب، شیرینتر و گواراتر است. دوم اینکه سعی بر پوشیدن و کتمان آن باشد. سوم اینکه مال پرداختی کم‌ارزش و بی‌بها جلوه داده شود. ولو واقعاً بسیار گران و ارزشمند باشد. چهارم اینکه در کار، پیوند و مواصلت باشد.



پنجم اینکه پرداخت را در جای خود و برای افراد مستحق انجام دهد.<sup>(۳۸)</sup>

یافته‌های برخی از پژوهشگران که بر روی چرخه اقتصادی خیریه‌ها و موقوفات کار میکنند، نشان می‌دهد «اداراک پولی»<sup>۱</sup> افراد بر چگونگی پرداختهای شرعی و اخلاقی آنها اثر فراوانی دارد.<sup>(۳۹)</sup> بنظر میرسد برای بهتر قبول کردن اصل پرداختهای شرعی و اخلاقی لازم است که ما بر این مقوله بیشتر تأمل کنیم. صرف‌نظر از بیان و تحلیل مؤلفه‌های چندگانه اداراک پولی، بررسی دو مؤلفه حفظ پول<sup>۲</sup> و ناکافی بودن پول نشان می‌دهد کسانی کمتر از دیگران در امور خیریه و پرداخت صدقه و... مشارکت میکنند که در اداراک پولی خود تمایل زیادی به حفظ پول و خرج نکردن آن دارند و نیز بلحاظ روانی احساس میکنند پولی که دارند جوابگوی نیازهای آنها نیست.<sup>(۴۰)</sup> بر همین مبنا بهتر است ما برای پذیرش و خوگیری هرچه بیشتر با فضیلت سخاوت، اداراک پولی خود را نیز اصلاح کنیم. چه بسا روایات عدیده‌یی که در نکوهش حب دینار (بعنوان نمادی از پول و ارزش اقتصادی) بدست ما رسیده‌اند، در همین راستا بهتر قابل درک باشد و معنا و ژرفای بیشتری بیابد.

### مدیریت خدمتگزاران منزل و بایسته‌های آن

یکی دیگر از ارکان منزل از منظر خواجه نصیر، همان اعوان و خدمتگزاران هستند که برای رتق و فتق امور خانواده بمثابة دست و پا برای بدن هستند.<sup>(۴۱)</sup> نکته جالب این است که خواجه این گروه از افراد را مایه آسایش و راحتی میداند تا جایی که اگر آنها نمیبودند ابواب راحت مسدود میشد و دیگر اهالی منزل و خانواده باید درگیر بسیاری از فعالیتها، رفت و آمدها و نشست و برخاستها میشدند که هیبت و وقار انسان را میزداید.<sup>(۴۲)</sup> پیشنهاد خواجه آن است که به شکرانه چنین نعمت مهم و مفیدی باید با این جماعت با مواسات و رفاقت و مهربانی برخورد نمود و آنها را ودیعه‌یی الهی بشمار آورد. او با اشاره به طبیعی بودن خستگی، ملالت و کسالت خادمان منزل از مخاطب میخواهد که با آنها مدارا کند.

1. money perception
2. retention
3. inadequacy



نگرش خواجه نصیر به تعریف و ارکان خانواده در جای خود مستلزم بحثی مستقل و مستوفاست. اما در باب تأکید خواجه بر لزوم حضور خدمتگزار در منزل و ضروری شمردن حضور آنان برای خانواده چند نکته قابل ذکر است: نخست اینکه چه در زمان گذشته و چه در دوران کنونی، فقط اقشار و طبقات خاصی از جامعه توانایی به کار گماردن خادمین متعدد در منزل را دارند. همین ما را بر آن میدارد که دریابیم این نگرش خواجه به تعریف و تدبیر خانواده احتمالاً متأثر از جایگاه اجتماعی و اقتصادی وی نیز میباشد؛ بخصوص آنکه یکی از دلایل اصلی خواجه برای توجیه لزوم خادم در خانه، حفظ هیبت و وقار دیگر اهالی خانه است. گویی انجام کارهایی چون رسیدگی به کودکان یا تمیزی و شستشوی خانه و... مادون شأن انسانهای آزاد است! همچنین اگر بدانیم که ترجیح خواجه این است که خادمین خانه از میان بردگان انتخاب شوند و نه خدمتگزاران آزاد، احتمالاً بسیار بیش از پیش به چنین نتیجه‌یی خواهیم رسید.<sup>(۴۳)</sup> علاوه بر این تأکید خواجه بر لزوم حضور این افراد در خانه معلوم نیست تا چه حد با تقویت حس صمیمیت، مسئولیت‌پذیری و احتراز از تنبلی اعضای خانواده بالاخص فرزندان سازگار باشد.

### استخدام خدمتگزاران و بایسته‌های آن

در ابتدا باید کوشید تا استخدام خادمان منزل بر مبنای شناخت، تجربه و آگاهی از وضعیت آنها باشد، اما اگر چنین معرفتی حاصل نشد، چاره‌یی نیست جز آنکه از نیروی هوش، حدس و فراست کمک جست.<sup>(۴۴)</sup> البته خواجه با ذکر جزئیات بیشتری از ضوابط استخدام خادم، توصیه میکند که اولاً، از جذب مستخدمان معلول و کم‌توان پرهیز شود. ثانیاً، از بکارگیری افراد باکیاست، تیزهوش و زیرک نیز اجتناب گردد؛ چراکه در بسیاری از موارد، مکرها و فریبکاریها از این دو خصلت نشئت میگیرند. ثالثاً، از میان دو فرد با شهامت و با عقل و حیا، مستخدم با عقل و حیا انتخاب شود؛ چراکه حیا ولو اندک از شهامت ولو بسیار، برتر و زینده‌تر است و شهامت بدون حیا به وقاحت می‌انجامد.<sup>(۴۵)</sup> اما پس از استخدام مستخدمین منزل، راهکارهایی برای ارتقای کیفیت کار آنان در /اخلاق ناصری دیده میشود. اول اینکه مستخدمین نباید احساس کنند با ارتکاب هر خطا یا اشتباهی ممکن است اخراج





شوند، چون در اینصورت احساس خواهند کرد حضورشان گذری و عاریتی است و چندان مایه‌یی برای کار نخواهند گذاشت. البته از اشتباهات و خطاهای بزرگ و فاحش نباید گذشت و الا چه بسا با نگه داشتن و عدم اخراج او، رفتار وی به دیگر خادمان هم سرایت کند.<sup>(۴۶)</sup>

لزوم اتخاذ رویکرد طبییانه و همدلانه مدیر منزل در این موقف نیز تجلی مییابد. مدیر منزل باید ضمن ارزیابی رفتار خادمان و تأدیب یا تشویق آنها در وقت مقتضی هرگز راه جبران و توبه را بر روی آنها نبندد و بعد از توبه و جبران اگر مجدداً مرتکب خطا شد، او را توبیخ کند، اما مادامی که حیا را وانهاد و وقیح نشده راه اصلاح و جبران را کاملاً به رویش سد نکند.<sup>(۴۷)</sup> پیشنهاد دیگر این است که مدیر منزل در امور معیشتی خادمان دخالت نکند و حتی ملزومات آنها در خوراک و پوشاک را بر احتیاجات خود مقدم بداند؛ مضاف بر اینکه برای آنها وقت استراحت و تفریح هم مقرر دارد تا با انگیزه و از روی نشاط کار کنند و نه از سر ملالت.<sup>(۴۸)</sup>

نکته و ضابطه دیگر برای استخدام خادمان، اولویت بردگان بر افراد آزاد است. استدلال خواجه در این خصوص بر این اساس است که اطاعت‌پذیری و کرنش بردگان در مقابل مدیران بسیار بیشتر از افراد آزاد و غیربرده است. نکته جالب آن است که خواجه اصناف بردگان را برحسب اشتهاشان به روحیات و اخلاقیاتی خاص اینگونه توصیف میکند که بردگان عرب در سخنوری و زیرکی و فصاحت کلام ممتاز هستند، اما طبعی جفاکار و شهوتران دارند. بردگان عجم نیز با اینکه عاقل، باکیاست، تمیز و زیرک هستند، اما گرفتار حرص و حيله‌گریند. رومیان نیز اگرچه باوفا، اهل محبت، امانت و کفایت هستند، اما بخیل و شماتت‌گریند. هندیان نیز از یکسو نیرومند و خوش‌فهم هستند، اما در ضمن خودپسند، بدبین و اهل مکر و تهمتند. بردگان ترک نیز خوش‌چهره، خوش‌خدمت و شجاع هستند، اما اهل حيله و سنگدلیند.<sup>(۴۹)</sup> گفتنی است امروزه بیان چنین توصیفاتی در باب اقوام و ملل گوناگون، نوعی توهین و نژادپرستی تلقی میشود، اما آشکار است که سخنان خواجه از باب ترجیح یک نژاد بر نژادی دیگر نیست؛ چراکه اولاً، وی برای همه نژادها و اقوام مورد بحث، هم مزیتها و فضیلتهایی را برشمرده و هم عیبها و رذیلتهایی.

۸۵



مسعود صادقی؛ نگرش فلسفی خواجه نصیرالدین طوسی به مدیریت و اقتصاد خانواده

بنابراین روشن است که در پی تخطئه و تحقیر یکی و بر صدر نشان دادن دیگری نیست. ثانیاً، او همانگونه که از ترکها و هندوان و اعراب انتقاد نموده، قومیت و نژاد عجمی خود را نیز مورد نقد قرار داده است. از قضا در بسیاری از تعاریف عرضه شده در باب مفهوم نژادپرستی<sup>۱</sup> آمده است که نژادپرستی بمعنای رویکرد، باور، رفتار یا ترتیبات نهادی است که یک گروه نژادی را بر گروهی دیگر ترجیح و برتری میبخشد.<sup>(۵۰)</sup> بنابراین دست کم طبق این سنخ از تعاریف، خواجه مرتکب عمل یا معتقد به باوری نژادپرستانه نشده است، زیرا هیچ نژادی از جمله نژاد خود را بر دیگر نژادها برتری نداده است.

اما از یک جهت دیگر میتوان بر کار خواجه نقد وارد کرد؛ اینکه خواجه بر چه مبنا و بر اساس کدام مطالعه و مذاقه قابل اعتماد علمی (حتی با ضوابط همان دوران) به این نتیجه رسیده است که همه یا قاطبه ترکان چنین هستند و همه یا بیشتر ایرانیان یا هندوان چنان؟ آیا اتصاف یک نژاد یا ملت به حيله گری یا عهدشکنی و.. زمینه ساز سوء تفاهمها و سوء استفاده های بعدی و غیرقابل پیش بینی نخواهد بود؟ ما باید بیاموزیم که نژادپرست نبودن کافی نیست. هرگونه توصیف کلی، بی ضابطه و غیرپیمایشی از اوصاف نژادی یک گروه بزرگ انسانی کاری بسیار خطرآفرین است؛ چراکه زمینه اعمال و باورهای نژادپرستانه را فراهم میکند، حتی اگر مستقلاً و فعلاً یک نگرش نژادپرستانه نباشد.

### نتیجه گیری

ترسیم نکات اصلی خواجه نصیر در باب تدبیر منزل و نقد و تحلیل اهم آنها گویای آن است که:

۱. مقصود خواجه نصیر از منزل، روابط مبتنی بر خانه و خانواده است. در تعریف خانواده بسامان از منظر وی، علاوه بر اجزاء ضروری همچون والدین و فرزندان، وجود خدمتگزارانی که در خانه حضور مستمر داشته باشند نیز ضرورت دارد. این تعریف میتواند گویای تأثیرپذیری نگرش خواجه از جایگاه اجتماعی و طبقاتی وی باشد.

1. racism

۲. رویکرد مطلوب مدیریت خانواده از نگاه خواجه نصیر، رویکرد طبیعیانه و پزشک‌گونه است که از موضع یک فرد آگاهتر، عیوب اعضای خانواده را بشکلی همدلانه تشخیص داده و برای درمان آن چاره‌اندیشی میکند.
۳. چرخه اقتصادی مطلوب خانواده و بایسته‌های آن از نگاه خواجه، مستلزم روزآمدسازی و واکاوی است تا با واقعیتهای اقتصادی جدید همسازتر گردد؛ همچنین عدم توجه وی به برخی نکات مورد اشاره در اخلاق دینی در همین باب؛ مثلاً تقلیل درآمد خانواده به درآمد پولی و عدم توجه به مقوله درآمدهای روانی.
۴. تأکید خواجه بر لحاظ هزینه‌ها و پرداختهای اخلاقی، دینی و عام‌المنفعه در سبد هزینه‌های ثابت خانواده یکی از نکات جالب توجه در تدبیر منزل وی است که باید برای احیای آن تلاش کرد.

#### پی‌نوشتها:

۱. امیری خراسانی، احمد و دیگران، «تدبیر منزل در اخلاق ناصری و اخلاق جلالی»، نشریه نثر پژوهی/ادب فارسی، س ۲۰، ش ۴۲.
۲. رضوی، سیدابوالفضل، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیرالدین طوسی»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، س ۴۲، ش ۸۵.
۳. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، ص ۱۶۵.
4. Maynes, Mary Jo & Waltner, Ann, *The Family: A World History*, p. 4.
۵. اخلاق ناصری، ص ۱۶۶.
۶. همان، ص ۱۶۷. البته خواجه در موقفی دیگر تأکید میکند که بهتر است آدمیان خانه‌ها را با بنیادی مستحکم بسازند و سقف خانه‌ها را بلند بگیرند و درها را جهت آسان‌سازی رفت و آمدها بزرگ و گشاده بسازند و موجب اختلاط زن و مرد نگردند. همچنین متناسب با هر فصل و موسمی از سال، پیش‌بینیهای لازم را بکنند و احتیاطهای مقتضی جهت جلوگیری از آتش‌سوزی، سیل و... را اعمال نمایند. (اخلاق ناصری، ص ۱۶۹). جالب است که وی خانه ساختن در مناطق بسیار ساکت و خلوت را یک عیب دانسته و آن را «آفت وحشت و انفراد» مینامد. خواجه نصیر در همین راستا از افلاطون حکیم نقل میکند که علت سکونت او در مجاورت بازار طلافروشان و زرگران این بوده که هرگاه خواب او را فراگرفت و از تفکر و مطالعه بازماند، صدای آلات و ابزار زرگرها مانع گردد و او را هشیار گرداند (ر.ک: همان، ص ۱۹۷).
۷. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، ص ۷.

۸. همان، ص ۱۱.
9. Corbett, *What is a Family? :And Why it Matters: Achieving a Workable Definition*, p. 2.
10. *Ibid.*
11. H Settles & Steinmetz, *Concepts and Definitions of Family for the 21st Century*, p. 4.
۱۲. اخلاق ناصری، ص ۱۶۷.
۱۳. همان، ص ۱۹۶.
۱۴. همان، ص ۱۷۱.
۱۵. همانجا.
16. Holmes, Kevin, *The Concept of Income: A Multi-disciplinary Analysis*, p. 8.
17. Frank Fetter Albert, *Economic Principles*, p. 27.
۱۸. آل عمران/۱۶۹.
۱۹. اخلاق ناصری، ص ۲۰۲.
20. Healey, Justin, *Risk Taking and Personal Safety*, p. 16.
۲۱. اخلاق ناصری، ص ۱۷۱.
۲۲. همان، ص ۱۷۲.
۲۳. همانجا.
۲۴. همان، ص ۱۷۳.
۲۵. همانجا.
۲۶. همانجا.
27. Fischer, Michael, *The Saving and Investing Workbook: Financial Literacy Through 937 Questions and Answers.*, p. 147.
۲۸. اخلاق ناصری، ص ۱۷۳.
۲۹. همان، ص ۱۷۴.
30. compulsive buying disorder (CBD).
31. Grant, Jon E. & Potenza Marc N., *The Oxford Handbook of Impulse Control Disorders*, p. 398.
32. *Ibid.*
33. Klontz Bradley T., Britt, Sonya L., Archuleta, Kristy L., *Financial Therapy: Theory, Research, and Practice*, p. 153.
34. Aristotle, *Nicomachean Ethics*, p. 32.
35. *Ibid.*, p. 64.
۳۶. اخلاق ناصری، ص ۱۷۴.
۳۷. همان، ص ۱۷۵.
۳۸. همانجا.



39. Wiepking, Pamala & Breeze, Beth, "Feeling Poor, Acting Stingy: The Effect of Money Perceptions on Charitable Giving", p. 16.

40. *Ibid.*, p. 20.

۴۱. اخلاق ناصری، ص ۲۰۱.

۴۲. همانجا.

۴۳. همان، ص ۲۰۴.

۴۴. همان، ص ۲۰۱.

۴۵. همان، ص ۲۰۲.

۴۶. همان، ص ۲۰۳.

۴۷. همانجا.

۴۸. همانجا.

۴۹. همان، ص ۲۰۴.

50. Yang, *Ethnic Studies: Issues and Approaches*, p. 145.

### منابع فارسی:

۱. قرآن کریم.
۲. ارسطو، سیاست، ترجمه حمید عنایت، تهران، انتشارات امیرکبیر، ۱۳۸۶.
۳. امیری خراسانی، احمد و دیگران، «تدبیر منزل در اخلاق ناصری و اخلاق جلالی»، نشریه تشریحی ادب فارسی، س ۲۰، ش ۴۲، ۱۳۹۶.
۴. راسل، برتراند، در ستایش بطالت، ترجمه محمدرضا خانی، تهران، نشر نیلوفر، ۱۳۹۳.
۵. رضوی، سیدابوالفضل، «طبقات اجتماعی در نظرگاه خواجه نصیرالدین طوسی»، مطالعات اسلامی: فلسفه و کلام، س ۴۲، ش ۸۵، پاییز و زمستان ۱۳۸۹.
۶. طوسی، خواجه نصیرالدین، اخلاق ناصری، تهران، علمیه اسلامی، ۱۴۱۳ق.

### منابع انگلیسی:

1. Aristotle, *Nicomachean Ethics*, translated and edited by Roger Crisp, Cambridge University Press, 2004.
2. Frank Fetter Albert, *Economic Principles*, Ludwig von Mises Institute, 2007.
3. Fischer, Michael, *The Saving and Investing Workbook: Financial Literacy Through 937 Questions and Answers*, Author House, 2010.
4. Grant, Jon E., Potenza, Marc N., *The Oxford Handbook of Impulse Control Disorders*, Oxford University Press, 2012.
5. Healey, Justin, *Risk Taking and Personal Safety [electronic resource]*, edited by Justin Healey,

۸۹



- The Spinney Press, 2012.
6. Holmes, Kevin, *The Concept of Income: A Multi-disciplinary Analysis*, IBFD, 2001.
  7. Klontz, Bradley T., Britt, Sonya L., Archuleta, Kristy L., *Financial Therapy: Theory, Research, and Practice*, Springer, 2015.
  8. Maynes, Mary Jo, Waltner, Ann, *The Family: A World History*, Oxford University Press, 2012.
  9. Yang, Philip Q., *Ethnic Studies: Issues and Approaches*, SUNY Press, 2000.
  10. Wiepking, Pamala & Breeze, Beth, "Feeling Poor, Acting Stingy: The Effect of Money Perceptions on Charitable Giving", *International Journal of Nonprofit and Voluntary Sector Marketing Int.*, Sect, Mark, 17: 13–24, 2012.